

درنگی در رسالهٔ شیخ مفید (ره) دربارهٔ عدم سهو نبی (ص)*

○ نوشتهٔ استاد سید محمد رضا حسینی جلالی
○ ترجمه و تحریر جويا جهانبخش

ادلهٔ عصمت که جمهور مسلمانان بدان قائل اند، چنین اقتضا می‌کند که به نفی سهو از گفتار و کردار پیامبر - صلی الله علیه و آله - حکم شود. عالمان شیعی محقق در علم کلام همین عقیده را دارند، و از اهل سنت هم ابواسحاق اسفراینی بر این عقیده است. تفصیل اختلاف اهل سنت در این باره، در کتاب حجیه السّنه ی شیخ عبدالغنی عبدالخالق (ص ۹۹-۱۷) آمده است. در میان شیعه، اختلافی وجود ندارد که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در گفتارهای خود از سهو معصوم است. لیک دربارهٔ کردارها، برخی از کسانی که در آنچه مربوط به عقائد باشد، صاحب نظر نیستند، بلکه در تحصیل عقائد به نصوص روایت شده تکیه می‌کنند و به آنچه ظاهر نصوص بر آن دلالت می‌کند پایبندند، و به تأویل نصوص و سازگاری آنها با ادلهٔ عقلی هم عقیده ندارند یعنی همان کسانی که شیخ مفید ایشان را «مُقلِّدَه» (= مُقلِّدان) می‌نامد، و در اصول دین به

الحمد لله الذی من علینا بمحمد نبیه صلی الله علیه و آله دون الأمم
الماضیه والقرون السّالفة

اشاره:

در شماره ۴۵ و ۴۶ از کتاب ماه دین (ویژه‌نامه شیخ صدوق) از درگیری دو مکتب متکلمان (مجتهدان) و اخباریان (اصحاب حدیث) سخن به میان آمده بود.

در این مقاله، یکی از گوشه‌های مواجهه ناقدانه دین‌شناسی اجتهادی با دین‌شناسی اخباریانه درنگریسته شده است.

*

یکی از بحث‌های مهم مطرح شده در علم کلام، بحث در این باره است که آیا سهو از برای پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - جائز است یا نه؟



شیخ مفید بدانها گواهی جسته است - جائز نبودن تکیه بر «ظن» و این که «ظن» در شناخت حقیقت هیچ کفایت نمی‌کند، مطرح شده است [از آیاتی که شیخ مفید بدانها گواهی می‌جوید، اینهاست: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۱؛ «مَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»^۲؛ «إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»^۳؛ «وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۴؛ «إِنَّمَا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»^۵].

شیخ مفید بر این اساس، تکیه بر اخبار آحاد را که نه علم به بار می‌آورد و نه موجب عمل می‌گردد، به عنوان اعتماد بر «ظن» و دوری از یقین، مشمول نهی خداوند در آیات قرآن کریم می‌شمرد.^۱ همین [اختلاف درباره منابع معرفت دینی و نحوه تحصیل عقائد]، اهل اجتهاد و نظر را از مقلده جدا می‌سازد.^۱

۲ - فقیهان که اهل اجتهاد و نظراند، بر صرف اخبار آحاد تکیه نمی‌کنند و معتقدند که این اخبار، «نه موجب علم می‌شوند و نه عمل».

شیخ در کتابهای مختلف خویش، و همچنین در آغاز این رساله، بر این مطلب تأکید می‌کند؛ و این مطلب نیز از وجوه تمایز دو گروه پیشگفته می‌باشد.

شیخ مفید، در ادامه، به معارضه با روایتی می‌پردازد که به عنوان دلیل برای اثبات وقوع سهو از پیامبر - صلی الله علیه و آله - بدان تکیه کرده‌اند، و خاطر نشان می‌کند که این روایت «معلل» است و از همین روی به عنوان دلیل چیزی قابل اعتماد نیست، زیرا معطل بودن (تعلیل) حدیث، آن را از اعتبار و حجیت می‌اندازد و دیگر عمل به آن روا نیست. حدیث معلل، حدیثی است که در نص منقول آن، چندان بین راویان، تناقض و اختلاف موجود باشد که جمع بین مقولات ایشان ممکن نگردد.

در این روایت [یعنی روایت مورد استناد قائلان سهو] چنین اختلافی بین راویان وجود دارد؛ چنان که راویان در تعیین نمازی که سهو در آن واقع شده، و همچنین درباره روش و کیفیت تکیه که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - با آن، این سهو مفروض را چاره کردند، اختلاف نموده‌اند. سپس، شیخ مفید از طریق تناقض‌ها و لازمه‌های باطل این حدیث، دلیل آورده است که حدیث مورد بحث، بر ساخته و جعلی است و ممکن نیست این حدیث با این معنا حقیقتاً وارد شده باشد. وی، بدین موارد استدلال می‌کند:

اولاً: پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بر حسب متن همین روایت، با گفتن «كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ» (هیچیک از اینها نبوده است)، سهو را از خویشتن نفی فرموده است. چه، اگر نقل صحیح باشد، معنای سخن آن حضرت این است که وقوع سهو و نسیان را از خود نفی فرموده است و اینک چگونه می‌توان این نقل را دلیل بر وقوع سهو از

تقلید پایبندند، و در روش کلامی و اعتقادی به گروهی از عامه شباهت دارند که سلفیه و حشویه خوانده می‌شوند، در این باره به روایتی از اخبار آحاد^۱ که به زعم ایشان بدین معنا وارد شده است تکیه می‌کنند و در کردار به پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نسبت سهو می‌دهند. مضمون آن روایت، آن است که: پیامبر - صلی الله علیه و آله - در یک نماز چهار رکعتی، پس از ادای دو رکعت، سهواً سلام دادند. مردی به نام ذوالیدین به ایشان گفت: آیا نماز کوتاه شد، یا فراموش کردی؟! پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ» (هیچیک از اینها نبوده است). آنگاه درباره آنچه ذوالیدین گفت، از ابوبکر و عمر پرسیدند که آیا اتفاق افتاده یا نه؟ ابوبکر و عمر، به پیامبر - صلی الله علیه و آله - خیر دادند که پس از دو رکعت سلام داده است. پس آن حضرت نماز خود را اتمام فرمود.

[آنگونه که از صدر و ذیل رساله شیخ مفید درباره عدم سهو نبی - صلی الله علیه و آله - برمی‌آید، کسی از باشندگان کربلا، درباره این عقیده و روایت، از شیخ سؤال نموده است و شیخ مفید در این رساله به مقابله و پاسخگویی در برابر گروه پیشگفته و اخباری که در این باره مورد استدلال قرار می‌دهند، پرداخته است.

[لبه اصلی تبیح انتقاد شیخ مفید، متوجه یکی از مشایخ قم است. شیخ مفید در رساله خود از وی به صراحت نام نمی‌برد ولی علی‌الظاهر مراد او شیخ صدوق است، و آنچه شیخ مفید به نقد کشیده، تقریباً همان مطالبی است که شیخ صدوق در یکی از بخشهای کتاب من لایحضره الفقیه آورده.^۲

مجموع این عقیده را از زبان شیخ قمیان و استاد صدوق، محمد بن حسن بن احمد بن ولید، هم حکایت کرده‌اند و مفید در تصحیح اعتقادات الامامیه متعرض این نقل شده و چنین سخنی را «تقصیر» (نقطه مقابل «غلو») شمرده است.^۲

باری، در رساله مورد گفت و گوی این مقاله، شیخ مفید با تفصیلی بیشتر به این عقیده پرداخته، و از شدت لحن و تند تئیمایر به کار رفته در آن درباره قائلان به سهو، پیداست که چه اندازه تبیین این مطلب و فیصله بخشیدن به بحث در نظر وی جدی بوده، و چقدر عقیده به جواز سهو و روایت سهو در نماز را خطرناک و مخالف حقیقت مذهب می‌دیده است.]

وی نخست به یادکرد پُرسمانی اصولی که مرز عناصر اثرگذار در حل اختلاف را تعیین می‌نماید، می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند که:

۱ - این بحث درباره عصمت انبیاء - علیهم السلام - است، و عصمت انبیاء - علیهم السلام - از پُرسمانهای عقیدتی به شمار می‌رود که از طریق «ظن» نمی‌توان درباره آنها استدلال کرد؛ زیرا در جای خود - در علم کلام - ثابت شده است که اصول دین، بناگزیب، باید به علم و یقین و باور قطعی مستند شوند. همچنین در آیات عدیده قرآنی - که

فرصت دلخواه چنین نمازی را قضا کرد، مگر آن که وقت برای نماز فوت نشده فعلی اندک باشد و قضای نماز فوت شده به ادای نماز فوت نشده لطمه بزند. این مطلب را در فصل پنجم رساله یاد کرده است.

۳- گفته است: فقها حدیثی را که راوی مبتلا به سهو روایت کند نمی‌پذیرند، مگر آنکه راوی دیگری از راویان هوشیار و تیزویر و تندذهن و خوش حافظه، در روایتگری، با راوی مبتلا به سهو، شریک باشد. این مطلب که آن را در فصل ششم یاد کرده، همان شرط «سَدَاد» است که عالمان حدیث و درایه در مورد راویان معتبر می‌دارند.

۴- درباره شخص «ذوالیدین» - یعنی همان صحابی بر ساخته‌ای که روایت را به وی نسبت داده‌اند - مناقشه کرده است و تصریح نموده که وی مجهول و ناشناخته است.

۵- [شیخ صدوق گفته بود: «غَلَاتِ مَقْضُوه - که خدایشان لعنت کند! - سهو نبی - صلی‌الله علیه و آله وسلم - را نفی می‌کنند» و همچنین از استادش، محمدبن حسن بن أحمدبن ولید، نقل کرده بود که «نخستین درجه در غلو، نفی سهو از پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - است.»] ۱ شیخ مفید نسبت غلو را از چنین کسانی که به نفی سهو از پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - قائل‌اند، نفی می‌کند، و کسی را که به چنین کسانی نسبت غلو می‌دهد، «بی ملاحظه (الْمُتَهَيَّرُ)» می‌خواند. همچنین به سختی بر قائل به سهو می‌تازد و در پایان رساله چنین می‌گوید: «شیعه‌ای که با تکیه بر این حدیث از روی عناد، به پیامبر - علیه‌السلام - نسبت اشتباه و نقص و معصوم نبودن بدهد، ناقص‌العقل و سست‌رای است و نزدیک به ناخوش‌احوالاتی که تکلیف از ایشان ساقط شده است.» [او طبعاً با افزودن قید «از روی عناد» کسانی چون شیخ صدوق و استادش را که به سبب خطا در تشخیص و اجتهاد، قائل به سهو شده‌اند، از آماج این حمله دور می‌دارد؛ هر چند که در انتقاد کلی از کسی که قائل به سهو باشد، صدوق و استادش، محمدبن حسن بن أحمدبن ولید، ظاهراً انگیزه اصلی ردیه مفید بر قول مذکور هستند.]

انگونه که از پایان اثر هویداست، نام رساله، «جواب أهل الحائر علی ساکنه السلام فیما سألوا عنه من سهو النبی صلی‌الله علیه و آله فی الصلاة» می‌باشد. [یکی از محققان معاصر به همین اعتبار که رساله حاضر، جواب أهل الحائر علی ساکنه السلام خوانده شده، و از سوی دیگر سندی در دست نیست که نشان بدهد شیخ مفید جوابی به مردمی حائر (کربلای معلای) نوشته باشد، با انتساب رساله به مفید مخالف است و احتمال می‌دهد جانشین شیخ مفید، ابویعلی محمدبن حسن بن حمزه جعفری (در گذشته به سال ۴۶۳ هـ. ق.)، که اثری از وی به نام جواب المسائل الواردة من الحائر می‌شناسیم، صاحب این رساله باشد. علامه مجلسی که متن رساله را در بحارالانوار نقل کرده است، می‌گوید که این رساله از شیخ مفید است و یا از سیدمرتضی. ۱۸ به هر روی، حتی اگر نسبت رساله را به شیخ مفید مورد تردید قرار

پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - گرفت؟... اگر گفته شود که آن حضرت در این سخن هم سهو فرموده است، این اجتهاد در برابر نص است. همچنین تلاش برای تفسیر این سخن، به این معنا که پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - جمع بین هر دو امر را نفی فرموده، بدین صورت که «کُلُّ» (هر دو، همه) واقع نشده است، پذیرفتنی نیست و شیخ مفید در فصل دوم رساله‌اش، از دو روی، آن را رد کرده است:

نخست آن که این جواب، جواب سؤال مذکور نخواهد بود؛ زیرا پرسشگر تنها درباره وقوع یکی از دو امر، سؤال کرده است، و این جواب که این دو امر با هم واقع نشده‌اند، با شیوه مالوف پاسخ به چنین پرسشی سازگار نیست؛ بلکه سخنی است لغو و بیهوده که ساحت پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - از آن و مانند آن منزه می‌باشد.

دوم آن که این جواب، اقتضا می‌کند که آن حضرت ملتفت وقوع یکی از دو امر شده باشد، ولی ظاهر گفتار نشان می‌دهد که پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - ملتفت چنین چیزی نشده است و حتی درباره صحت سخن ذوالیدین از نمازگزاران پرسش می‌فرماید.

ثانیاً: این روایت - در طُرُق خویش - مشتمل بر آن است که پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - در آن نماز سوره «والنجم» را خواند که در آن آیه سجده هست، و همچنین شنید که می‌خواند: «تَلْکَ الْفَرَانِیقَ الْعَلِیَّ، وَ اَنْ شَفَاعَتِهِنَّ لِتَرْجَیَّ». این خرافه و دروغی است که به ساحت قدس پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - بسته‌اند. ۱۹ به گواهی قرآن، آن حضرت از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و آن جز وحیی که فرورستاده می‌شود نیست. ۲۰

ثالثاً: مقتضای این روایت آن است که تنها ذوالیدین - که در میان صحابه شخصیتی مجهول است - ۲۱ متوجه این سهو شده باشد و هیچیک از دیگر صحابیانی که حاضر بودند، از جمله ابوبکر و عمر، به آن توجهی نکرده باشند! هنگامی هم که پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - می‌خواهد از سخن ذوالیدین مطمئن شود، در این باره از ابوبکر و عمر پرسش می‌کند، نه دیگر صحابه حاضر!

همه این ویژگیها نشان می‌دهند که این روایت، تنها از برای مخدوش ساختن وجهت پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - و ساقط کردن کردار آن حضرت از حجیت و اعتبار، جعل شده است.

و انگهی، آراء شیخ مفید درباره پرسشهای متعددی در خلال این رساله درج گردیده است که بدانها می‌پردازیم:

۱- این ادعا را که سهو مردم - که سهو شیطانی خوانده شده است - با سهو پیامبر - که سهو رحمانی خوانده شده - فرق دارد، رد کرده است و حکم سهو را از حکم خواب نیز تمییز داده.

۲- ادعا کرده که «عصایه الحق» (یعنی امامیه) در این اختلافی ندارند که قضای فوری نماز فوت شده، هرگاه انسان آن را به یاد آورد، واجب است؛ وقت این قضا تنگ است و نمی‌توان در فراخی وقت و

نمی‌دانید بر خدا ببینید].

۸ - الزخرف، ۸۶ [یعنی: مگر کسی که شاهد و ناظر حق باشد و ایشان می‌دانند].

۹ - در این مورد، آنچه را درباره الحکایات [در نظرات فی تراث الشیخ المفید] نوشته‌ایم، ببینید.

[می‌گوییم: یحمدالله این گفتار به قلم همین ترجمان به فارسی برگردانده شده و در شماره ۴۷ کتاب ماه دین به چاپ رسیده است].

۱۰ - [درباره دروغین بودن این افسانه، چندان مأخذ قدیم و جدید فرق مختلف اسلامی، به ایضاح و روشنگری و اقامه شواهد پرداخته‌اند، که ارجاع به یکایک آنها، محتاج درج یک کتابشناسی تفصیلی است، و به طبع، بیرون از حوصله این بی‌نوشت.

در اینجا، جویندگان راه، نمونه‌وار، ارجاع می‌دهیم به: الصحیح من سیرة النبی الأعظم - صلی الله علیه و آله وسلم - السید جعفر مرتضی‌العاملی، ط. دارالسیره، بیروت، ج ۳، صص ۱۳۷-۱۴۸؛ و: سیرة رسول خدا - صلی الله علیه و آله - رسول جعفریان، صص ۳۵۳-۳۵۷].

۱۱ - [خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (التجیم، ۳ و ۴)].

۱۲ - [درباره «نوالیدین» نگر: الصحیح من سیرة النبی الأعظم - صلی الله علیه و آله وسلم - السید جعفر مرتضی‌العاملی، ط. دارالسیره، بیروت، ج ۵، ص ۱۷۵ به بعد].

۱۳ - [«مَقْوُضَه» یکی از اصناف غلات هستند؛ ولی باید دانست که تفویض معانی مختلفی دارد و بنابراین «مَقْوُضَه» هم اصناف مختلفی را شامل می‌شوند؛ و در چیستی تفویض غلواً می‌جای تأمل و تدبیر هست.

تفصیل راه نگر: کلیات فی علم الرجال، الشیخ جعفر السبحانی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ هـ. ق، صص ۴۱۹-۴۲۹].

۱۴ - [نگر: رساله فی عدم سهوانبی صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق: الشیخ مهدی نجفه ص ۱۸، هامش (به نقل از کتاب من لایحضره الفقیه، ۱: ۲۳۳ / ۱۰۳۱)].

۱۵ - [نگر: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مکر موت، ترجمه احمد آرام، ص ۶۱].

۱۶ - [نگر: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۶۱ و ۶۲].

۱۷ - [نگر: حدیث صداقت عبدالرحیم ابادری، دارالحدیث ۱۳۷۹ هـ. ش. ص ۱۸۶].

۱۸ - [نگر: فقیه ری، سیدحسن موسوی خراسان، ترجمه و تعلیق دکتر علیرضا میرزا محمد، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷ هـ. ش. ص ۹۹.

دهیم، در این که اندیشه مطرح شده در آن، یعنی عدم سهو نبی - صلی الله علیه و آله و سلم -، از اندیشه‌های مورد قبول شیخ مفید است و این رساله با شیوه اندیشگی و دیگر آثار وی همگام و همسوسته تردیدی نمی‌توان کرد. ^۶ بیشترینه عالمان شیعه در این پُرسمان همنظر شیخ مفیدند، و پس از شیخ صدوق، ظاهراً به استثنای یک یا دو نفر، هیچیک از عالمان شیعه نظر صدوق را نپذیرفتند. ^۷ از آن یک دو نفر هم به عنوان صاحب رای شاذ یاد شده است و از جهت شذوذ رأیشان توجه و تعجب برانگیخته‌اند. ^۸

آنچه باور جمهور عالمان امامی و متکلمان بزرگ اثنی عشری می‌باشد، همان عقیده به «عدم سهو نبی - صلی الله علیه و آله» است که شیخ مفید هم بیان داشته است. [

والحمد لله علی توفیقه

پانویشت‌ها:

* این مقاله، ترجمه فصلی است از نظرات فی تراث الشیخ المفید که ترجمان، متن کامل آن را زیر عنوان کارنامه شیخ مفید - رضوان الله علیه - در دست ترجمه و تحریر دارد.

ناگفته پیداست که آنچه در قلاب قرار گرفته، بر افزوده‌های ترجمان می‌باشد.

۱ - [مراد از «اخبار آحاد» (یا: «خبر»های «واحد»)، خبر (/ حدیث) هائی است که به حد تواتر نرسیده‌اند؛ و به همین جهت، در این که چگونه در کسب معرفت دینی به کار روند، جای تأمل و بحث فراوان بوده است.

از برای دیدگاه شیخ مفید(ره) درباره «خبر واحد» نگر: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکر موت، ترجمه احمد آرام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ هـ. ش. صص ۳۹۴-۳۹۶].

۲ - [نگر: رساله فی عدم سهوانبی صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق: الشیخ مهدی نجفه المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ هـ. ق، صص ۱۸-۲۰ (متن و حاشیه)].

۳ - [نگر: تصحیح اعتقادات الامامیه تحقیق: حسین درگاهی، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۱۲۵].

۴ - الاسراء، ۳۶. [یعنی: از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، هر یک، مورد سؤال قرار خواهد گرفت].

۵ - یونس، ۳۶. [یعنی: بیشترینه‌شان جز از گمان پیروی نمی‌کنند؛ گمان در شناخت حق هیچ کفایت نمی‌کند].

۶ - الانعام، ۱۱۶؛ و: یونس، ۶۶. [یعنی: جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز این نیست که دروغ می‌بافند].

۷ - البقره، ۱۶۹ [یعنی: و (شیطان شما را) بر آن می‌دارد که آنچه